

مطالعه مسئولیت اجتماعی گروه‌های آموزشی

(نمونه موردی: گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران)^۱

احمد کینخا^۲

خدایار ایلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف از مقاله پیش‌رو، تحلیل وضعیت مسئولیت اجتماعی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران می‌باشد؛ بنابراین پس از واکاوی ادبیات پژوهش پنج مؤلفه مسئولیت اجتماعی؛ اخلاقی، قانونی، زیست‌محیطی، مشارکت اجتماعی و اقتصادی که فراوانی بیشتری داشتند به‌عنوان مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی گزینش شدند و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و به‌کارگیری مصاحبه نیمه ساختاریافته ۲۲ مصاحبه با اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان در مقطع دکتری و ارشد انجام شد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در تحلیل پنج مؤلفه اصلی مسئولیت اجتماعی نشان می‌داد در مؤلفه اخلاقی در سه زیر مؤلفه اخلاق آموزشی با ۵۷ درصد رضایت، اخلاق پژوهش با ۵۸ درصد رضایت، اخلاق ارتباطی و تعاملی با ۶۰ درصد نارضایتی، در مؤلفه قانونی با ۷۲ درصد رضایت، در مؤلفه زیست‌محیطی ۹۵ درصد نارضایتی و در مؤلفه‌های اقتصادی و مشارکت اجتماعی ۱۰۰ درصد نارضایتی وجود داشت. در پایان بر اساس یافته‌های بدست آمده پیشنهاداتی برای نظام آموزش عالی ارائه شده‌است.

واژگان کلیدی: مسئولیت اجتماعی، گروه آموزشی، دانشگاه، آموزش عالی

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد در سال ۹۸-۱۳۹۷ در دانشگاه تهران می‌باشد.

^۲ دانشجوی دکتری آموزش عالی، گرایش اقتصاد و مدیریت مالی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول): ahmadkeykha8984@gmail.com

^۳ استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های گذشته تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی گسترده در بخش‌های مختلف دانشگاه‌ها پدیدار شده است از این‌رو نظام‌های دانشگاهی را با چالش‌های جدید اجتماعی در فعالیت‌های اصلی‌شان مواجه کرده است که باید آن‌ها را برآورده سازند (واسیلیسکا^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). با این وجود درباره مسئولیت اجتماعی با توجه به متفاوت بودن شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی اجماع و هماهنگی وجود ندارد (تیکسیرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ اما آنچه که پیداست این است که دانشگاه‌ها به‌عنوان یک سیستم اجتماعی باز نمی‌توانند بدون پیوند مستقیم با سایر زمینه‌های اجتماعی زیست داشته باشند. چراکه دانش و نوآوری به‌عنوان نیروهای محرک رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی محسوب می‌شود (جیفری و راتو^۳، ۲۰۱۴). به لحاظ تاریخی نیز دانشگاه‌ها پیوسته پاسخگویی نیازهای اجتماعی بودند (استفین و گراهام^۴، ۲۰۱۰). این دانشگاه‌ها هستند که از گذرگاه‌های مختلف نقش مهمی را در جامعه با توجه به پرورش رهبران آینده و سیاست‌گذاران ایفا می‌کنند. این امر نشان از آن دارد که نظام دانشگاهی در حال حاضر نیاز به ادغام اصول مسئولیت اجتماعی در کار ویژه‌های اصلی خود یعنی پژوهشی و آموزشی و مسئولیت‌های اجتماعی دارند (گاردی^۵ و همکاران، ۲۰۱۳؛ رالف و استوب^۶، ۲۰۱۴). بر این اساس، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر جهان با در پیش گرفتن سیاست‌های مربوط به پایداری به توسعه ارزش‌های اخلاقی و توسعه روابط با ذی‌نفعان بیرونی پرداخته‌اند (ویگموری آلوارز^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). چراکه دانشگاه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین و تولید سرمایه انسانی مورد برای توسعه زیست‌بوم‌ها با توجه به جهت‌گیری اقتصاد، به سمت اقتصاد دانش‌بنیان دارند. دولت‌ها، فراتر از این به نقش دانشگاه‌ها در ایجاد برابری اجتماعی از طریق تحرک اجتماعی که دانشگاه‌ها در میان اقشار ضعیف جامعه ایجاد می‌کنند توجه دارند (سیماکو^۸ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بنابراین دانشگاه‌ها با داشتن مسئولیت‌های اجتماعی پیوسته متعهد به رفع مشکلات جامعه از رهگذر تولید دانش نو، پرورش شهروندان مسئولیت‌پذیر، ارائه خدمات با کیفیت به جامعه می‌باشند (سانتوس^۹ و همکاران، ۲۰۲۰).

¹ Vasilescu

² Teixeira

³ Giuffré, L., & Ratto

⁴ Stephens and Graham

⁵ Garde

⁶ Ralph and Stubbs

⁷ Wigmore-Álvarez

⁸ Symaco

⁹ Santos

شواهدی زیادی در باب نقش آموزش عالی در توسعه کشورها وجود دارد (شین^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ موک و یو^۲، ۲۰۱۴). به همین دلیل سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش عالی با توجه به نقش‌های که بر عهده دارد سیاست اصولی جوامع برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه تلقی می‌شود در واقع وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه دستاوردهای علمی و فناوری بخش نظام آموزشی و نظام دانشگاهی آن‌هاست؛ اما نظام‌های دانشگاهی ایران در دهه‌های اخیر با چالش‌های زیادی مواجه شده است و دچار کژکارکردی‌های شده است. این چالش‌ها آن را به فضای پرتاب کرده است که کارویژه‌های اصلی آن آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی دچار دگرگونی‌های شده است. نظام‌های دانشگاهی در جهان امروز، به‌عنوان خرد منفصل جامعه مسئولیت‌های بیشتری را در قبال منطقه، جامعه و جهان زیستی خود بر عهده دارد. با این وجود، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها در آموزش عالی بسیار محدود است (آن^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). دلیل این امر به‌زعم آدامز^۴ (۲۰۱۳) و سیولمانز^۵ و همکاران (۲۰۱۵) عواملی همچون عدم وجود دستورالعمل‌های مشخص جهت گزارش دهی دانشگاه‌ها، عدم درک صحیح و شفاف از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها و منابع محدود می‌باشد که به پیدایش وضع کنونی منجر شده است؛ اما در سال‌های اخیر پژوهش‌های انجام‌شده در قلمرو مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها از منظرهای گوناگون رو به افزایش می‌باشد (برای نمونه: لوزانو^۶، ۲۰۱۱، سیبونی^۷ و همکاران، ۲۰۱۳؛ لوپاتا و جاسیچکی^۸، ۲۰۱۴؛ سانچز^۹ و همکاران، ۲۰۱۵؛ بیسی و کوآتس^{۱۰}، کوآتس^{۱۱}، ۲۰۱۶؛ گرامچی و سسیلی^{۱۱}، ۲۰۱۷).

دانشگاه در مسیر تدوین و پیاده‌سازی استراتژی مسئولیت اجتماعی خود در رابطه تنگاتنگی با عناصر کلیدی‌اش اعم از: استادان، دانشجویان، پژوهشگران، کارکنان و پشتیبانی آن می‌باشد. تردیدی نیست که ایفای نقش‌های چندگانه دانشگاه، بیش از همه، بر عهده اعضای هیئت علمی به‌عنوان محوری‌ترین هسته دانشگاه می‌باشد و بر اساس دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، اعضای هیئت علمی تقویت‌کنندگان فرهنگ، مهندسان توسعه اقتصادی،

¹ Shin

² Mok & Yu

³ An

⁴ Adams

⁵ Ceulemans

⁶ Lozano

⁷ Siboni

⁸ Lopatta and Jaeschke

⁹ Sánchez

¹⁰ Bice and Coates

¹¹ Gamage and Sciulli

تولیدکنندگان علم و کاشفان فناوری می‌باشند که جوامع انسانی را متحول و توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشورها را تسریع می‌کنند (محب زادگان، پرداختچی، قهرمانی و فراستخواه، ۱۳۹۲). لزوم و اهمیت مفهوم مسئولیت اجتماعی به دانشگاه‌ها را می‌توان با دلایل متعددی تبیین کرد؛ (۱) دانشگاه‌ها کارمندان آینده شرکت‌های عمومی و خصوصی را تربیت می‌کنند؛ (۲) دانشگاه‌ها نقش آموزشی و پژوهشی مهمی در اجتماعات محل فعالیت شرکت‌ها ایفا می‌کنند؛ (۳) دانشگاه‌ها به مردم یاری می‌کنند تا تعادلی بین نیازها و خواسته‌های فردی و اجتماعی‌شان برقرار کنند؛ (۴) با تغییر بازار آموزش عالی، دانشگاه‌ها بایستی روابط راهبردی مستحکم‌تری با ذی‌نفعان خود (دانشجویان، کارفرمایان، دولت، جامعه و غیره) برقرار سازند تا در رقابت باقی بمانند؛ (۵) دانشگاه‌ها نقش دائمی در آموزش و استخدام منطقه‌ای دارند؛ (۶) به‌واسطه بازاری شدن گسترده خدمات آموزش عالی، شرکت‌ها مداخله بیشتری در دانشگاه‌ها دارند؛ (۷) رشد آگاهی جمعی دانشجویان و اساتید لزوم اقدام پیشروانه در حوزه مسئولیت اجتماعی را موجب شده است؛ (۸) از دانشگاه‌ها به جد انتظار می‌رود با گنجانیدن موضوعات پایداری در برنامه‌های آموزشی خود نقش مهمی در رفع چالش‌های زیست‌محیطی بر عهده گیرند چراکه دانشگاه‌ها نقش کلیدی در پرورش شهروند جهانی مسئول در دنیا پسامدرن ایفا می‌کنند (بوک و همکاران، ۱۳۹۶). ازاین‌رو، پرداختن به مسئولیت اجتماعی دانشگاه در جهان امروز به مسئله مهمی در بین دانشوران و کنشگران تبدیل شده است. باین‌وجود در قلمرو مسئولیت اجتماعی دانشگاه تاکنون پژوهش‌های زیادی به رشته تحریر در آمده‌است اما این مسئولیت تا به حال در سطح گروه آموزشی به‌عنوان پیش‌قراولان پرورش نیروی انسانی در سطوح پایین‌تر دانشگاه در شناخت نقش‌آفرینی مسئولیت اجتماعی آن‌ها در قلمرو دانشگاه و جامعه با رویکرد کیفی انجام نشده است. ازاین‌رو، هدف این مقاله مطالعه وضعیت مسئولیت اجتماعی گروه آموزشی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف پنج پرسش پژوهشی مطرح می‌شود؛ (۱) وضعیت مؤلفه اخلاقی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟ (۲) وضعیت مؤلفه قانونی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه چگونه است؟ (۳) وضعیت مؤلفه مشارکت اجتماعی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟ (۴) وضعیت مؤلفه زیست‌محیطی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟ (۵) وضعیت مؤلفه اقتصادی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟

پیشینه پژوهش

مسئولیت اجتماعی به ارائه روش‌هایی می‌پردازد که سازمان‌ها در فضای کسب‌وکار خود آن عمل می‌کنند و پاسخگویی توقعات جامعه، انتظارات تجاری، قانونی، اخلاقی و اجتماعی آنان را می‌پذیرند و در اقدامات خود منعکس کنند را شامل می‌شود. اصول مزبور شامل احترام به حقوق انسانی، رفتار منصفانه با نیروی کار، مشتریان و تأمین‌کنندگان، شهروندان خوبی بودن و حفاظت پسنندیده‌ای می‌باشد (رویایی و مهر دوست، ۱۳۸۸). دانشگاه نیز نهادی اجتماعی است که هرگز نمی‌تواند در خلاء و جدا از محیط خود و حمایت همه‌جانبه نظام‌های کلان توسعه یابد، چراکه دانشگاه به‌منزله یک نظام در نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه محاط است؛ هم از آن تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. دانشگاهی که منطبق بر ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد اولاً، توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و غیره جامعه را خواهد داشت. ثانیاً، مردم به آن اعتماد می‌کنند و نهایتاً در فرایند توسعه سهیم خواهد بود (عزیزی، ۱۳۸۳). با این‌وجود تاکنون هیچ توافقی در باب مفهوم‌پردازی مسئولیت اجتماعی نشده است چراکه این مفهوم با توجه به بافت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی معنای متفاوت به خود می‌گیرد (گالو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹؛ تکستیرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸) اما آنچه از آن درک همگرایی وجود دارد این است که مفهوم مسئولیت اجتماعی، مفهومی درهم‌تنیده با اعمال جمعی است. به‌گونه‌ای که با بر عهده گرفتن مسئولیت‌های مدنی فردی با افق‌های جهانی به پیامدهای جمعی منتج می‌گردد تعریف می‌شود (آبهالا رودریگز و همکاران، ۲۰۱۹). مسئولیت اجتماعی دانشگاه^۳ یک اصل برای جنبش اجتماعی است که می‌تواند به‌عنوان فلسفه دانشگاه به‌سان یک رویکرد اخلاقی برای توسعه و مشارکت با جامعه محلی و جهانی به‌منظور حفظ محیط اجتماعی، توسعه زیست‌محیطی، فنی و اقتصادی در نظر گرفته شود. از این‌رو، در مسئولیت اجتماعی، دانشگاه به‌عنوان یک نقش‌آفرین کلیدی برای تغییرات اجتماعی عمل می‌کند، مسئولیت اجتماعی مستلزم داشتن یک سیاست کیفیت اخلاقی است که عملکرد جامعه دانشگاهی را مدیریت می‌کند. این امر از طریق مدیریت مسئولانه شناختی و تأثیرات زیست‌محیطی دانشگاه، در یک مشارکت تعاملی با جامعه، به‌منظور ارتقاء توسعه پایدار انسانی از طریق آموزش (انتقال دانش)، ارائه خدمات، پژوهش صورت می‌گیرد (ریسر^۴، ۲۰۰۷). در واقع مسئولیت اجتماعی دانشگاه به توانایی دانشگاه برای اشاعه و اجرای مجموعه‌ای از اصول کلی و ارزش‌های خاص اشاره دارد که با استفاده از چهار فرایند کلیدی: مدیریت، آموزش، پژوهش و توسعه، از طریق ارائه

¹ Galvão

² Teixeira et al

³ University social responsibility (USR)

⁴ Reiser

خدمات آموزشی و انتقال دانش به دنبال اصول اخلاقی، حکمرانی خوب، احترام به محیط‌زیست، مشارکت اجتماعی و ارتقاء ارزش‌ها می‌باشد (پاچون^۱، ۲۰۰۹). در گزاره تعریفی دیگر دیلا کاستل و همکاران^۲ (۲۰۱۰) مسئولیت اجتماعی دانشگاه را ارائه خدمات آموزشی و انتقال دانش جهت دستیابی به اصول اخلاق، حکمرانی خوب، احترام به محیط‌زیست، تعهد اجتماعی و ارتقاء ارزش‌های شهروندی پاسخگو به جامعه با توجه به تعهدات با ذینفعان مفهوم‌پردازی کردند. لارن جورج^۳ و همکاران (۲۰۱۷) بر این باورند مسئولیت اجتماعی دانشگاه، تعهدات داوطلبانه دانشگاه‌ها در ارتباط با نگرش‌های اجتماعی، کاری، اخلاقی و اجتماعی است که با توجه به کارکردهای اصلی (آموزش، پژوهش، مدیریت و عوامل محیطی) از محیط خارج و فعالیت‌هایشان شکل می‌گیرد؛ بنابراین برای استخراج مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مطالعه این مؤلفه‌های در سطح گروه آموزشی، پس از بررسی ادبیات پژوهش در داخل و خارج از کشور در بازه زمانی (۱۳۹۰-۱۳۹۸)، (۲۰۰۸-۲۰۱۹) در مجموع ۱۱ پژوهش انتخاب شدند که خلاصه یافته‌های آن‌ها در جدول (۱) شرح داده شده‌است. پس از آن مؤلفه‌های که با فراوانی بیشتری در پیشینه ادبیات تکرار شده بودند به عنوان مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی گروه آموزشی برای مطالعه وضعیت گروه آموزشی مورد بررسی استفاده شدند.

جدول (۱) واکاوی پیشینه ادبیات داخل و خارج از کشور در قلمرو مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه

نویسنده / نویسندگان	عنوان پژوهش	نقش و مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه
شفانی یامچلو و همکاران (۱۳۹۷)	مطالعه شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر الگوی والایس بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران	مسئولیت دانشگاه به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی؛ آموزش مسئولانه برای متخصصان و شهروندان؛ مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت منسجم دانشگاه از توسعه پایدار
حبیبی و همکاران (۱۳۹۵)	مؤلفه‌های ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی	ابعاد بشر دوستانه؛ اقتصادی؛ قانونی؛ اخلاقی و فناورانه
حسینی و همکاران (۱۳۹۳)	تحلیل مدل معادلات ساختاری دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره مسئولیت اجتماعی	نوع دوستی؛ حقوق بشر؛ مسائل زیست محیطی؛ اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت در قبال همکاران

¹ Pachón

² De la Cuestaet

³ Larrán Jorge

مسئولیت آموزش و پژوهش؛ مسئولیت قانونی؛ مسئولیت اخلاقی؛ مسئولیت زیست محیطی؛ مسئولیت نوع دوستی	. شناسایی مولفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها با استفاده از تکنیک دلفی فازی در دانشگاه شیراز	علی محمدلو و همکاران (۱۳۹۳)
اقتصادی؛ قانونی؛ فعالیت‌های داوطلبانه؛ اخلاقی	عوامل موثر بر جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت دانشجویان در آموزش عالی	گالواو ^۱ و همکاران (۲۰۱۹)
مسئولیت اجتماعی باید از طریق رفتار شفاف و اخلاقی به توسعه پایدار، سلامت و رفاه جامعه کمک می‌کند با توجه به انتظارات ذینفعان، مطابق با قوانین قابل اجرا و همچنین مطابق با هنجارهای بین‌المللی رفتاری ترویج باید.	مسئولیت اجتماعی دانشگاهی شناسایی پایه اخلاقی در موسسات آموزش عالی	چن ^۲ و همکاران (۲۰۱۵)
فعالیت‌های داوطلبانه؛ رفتار و اقدامات در جهت بهبود جامعه؛ تعهد به توسعه اقتصادی؛ توسعه سرمایه انسانی؛ حفاظت از محیط زیست؛ انطباق قانونی و اخلاقی؛ (۷) مشارکت اجتماعی	آیا دانشگاه می‌تواند به عنوان یک پیشران برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها عمل کند؟	احمد ^۳ (۲۰۱۲)
مشارکت دانشگاه برای دستیابی به جامعه پایدارتر از طریق آموزش (یادگیری خدمات)، پژوهش، رهبری اجتماعی، تعهد و اقدامات اجتماعی می‌باشد. در این دیدگاه، دانشجویان در حوزه مسئولیت اجتماعی و در موسسات آموزش عالی نقش کلیدی دارند. در فرایند آموزش حرفه‌ای خود، آنها به عنوان عوامل اجتماعی درگیر در جامعه مدنی مشغول به کار می‌شوند.	مسئولیت اجتماعی دانشگاهی به عنوان یک چالش برای مدیریت استراتژیک آموزش عالی؛ مورد اسپانیا	کزادا ^۴ (۲۰۱۱)
حکمرانی سازمانی؛ حقوق بشر؛ شیوه‌های انجام کار؛ شرایط محیطی؛ ترویج عدالت؛ مسائل دانشجویان؛ مشارکت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و دانشگاه‌ها: مطالعه در موردی وب سایت های ۱۰ دانشگاه برتر جهان	نجاتی و همکاران (۲۰۱۱)
گسترش مسئولیت‌پذیری در دو بعد فردی و اخلاقی؛ ترویج اخلاق دانشگاهی؛ دستیابی به زیست بوم پایدار؛ فرایندهای مدیریتی، آموزشی و پژوهشی؛ پدیدار شدن گفتمان تعاملی بین جامعه و دانشگاه	توسعه مسئولیت اجتماعی دانشگاه: یک مدل برای چالش‌های جامعه مدنی جدید	واسیلیسکا و همکاران (۲۰۱۰)
اثرات سازمانی که جنبه‌های مرتبط با کار، محیط زیست و عادات زندگی روزمره در پردیس‌های دانشگاه را پیوند می‌دهد و منجر به ارزش‌هایی می‌شود که عمدی یا غیر عمدی مورد حمایت قرار می‌گیرند و بر افراد و خانواده‌های آنها تاثیر می‌گذارد؛ اثرات آموزشی	مسئولیت اجتماعی دانشگاهی: فلسفه جدید مدیریت اخلاقی و هوشمند برای دانشگاه‌ها	والیس ^۵ (۲۰۰۸)

¹ Galvão

² Chen

³ Ahmad

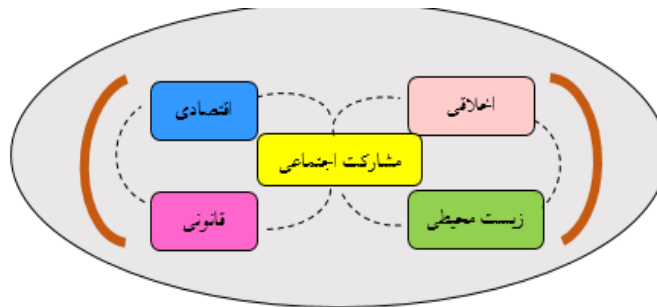
⁴ Quezada

⁵ Vallaey

<p>که شامل همه چیز مربوط به فرایندهای یادگیری تدریس و ساختار برنامه درسی است؛ تأثیرات شناختی که اشاره به گرایشات معرفت شناسانه و دین شناختی، رویکردهای نظری، خطوط تحقیق، فرایندهای تولید و انتشار دانش است که منجر به شیوه مدیریت دانش؛ تأثیرات اجتماعی</p>		
---	--	--

مؤلفه های احصاء از مطالعات پیشین در نگاره (۱) مدل مفهومی پژوهش به تصویر کشیده شده است؛

نگاره (۱) مدل مفهومی پژوهش



روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی تدوین شده است. جامعه مورد کاوش در این پژوهش گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران می باشد. نمونه های به کار گرفته شده کلیه اعضای هیئت علمی، دانشجویان در دو مقطع (ارشد و دکتری) گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه تهران در گرایش های مختلف می باشد. جهت نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند (Purposeful sampling) استفاده شد چراکه اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری و ارشد بیشترین اطلاعات را در خصوص عملکرد گروه در اختیار قرار می دهند. از این میان، تعداد ۲۲ نفر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان برای انجام مصاحبه گزینش شدند و نمونه گیری نیز تا زمانی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری (Theoretical saturation) حاصل شد. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختار بود که به دلیل انعطاف پذیری بالا آن استفاده شد، بنابراین فرایند مصاحبه

به‌گونه‌ای بود که برای پاسخگویان چند پرسش اصلی باز مطرح می‌شد و به آن‌ها اجازه داده می‌شد تا تجربیات و دیدگاه‌هایشان را شرح دهند (دینزین و لینکول، ۲۰۱۱).

جدول (۲) قلمرو و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

مرتبۀ علمی	جنسیت		اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش دانشگاه تهران
	زن	مرد	
استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	۰	۲	دانشجویان دکتری گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش دانشگاه تهران
استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	۱	۱	
رشته تحصیلی	جنسیت		دانشجویان کارشناسی ارشد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش دانشگاه تهران
مدیریت آموزش عالی	۱	۵	
اقتصاد و مدیریت مالی آموزشی	۲	۳	
مدیریت آموزشی	۲	۰	دانشجویان کارشناسی ارشد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی
رشته تحصیلی	جنسیت		
مدیریت آموزشی	۳	۲	

داده‌های با استفاده از تحلیل محتوای کیفی (استقرایی) تحلیل و دسته‌بندی شدند. در روش تحلیل محتوای استقرایی پژوهشگر از به‌کارگیری طبقات از قبل تعیین‌شده، اجتناب می‌ورزد در عوض، اجازه می‌دهد که طبقه و نامشان از درون داده‌ها احصاء شود. در این روش، نقطه شروع گردآوری داده‌ها، اهداف پژوهش است؛ بنابراین، پژوهشگر در داده‌ها کاملاً غرق شده تا به یک درک یا بصیرت جدیدی دست پیدا کند. ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر متن برای غوطه‌ور شدن در آن‌ها و یافتن یک درک کلی آغاز می‌شود. سپس متون، کلمه به کلمه خوانده می‌شود تا کدها استخراج شوند. این فرایند، به طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها، تداوم می‌یابد پس از آن کدها بر اساس تفاوت‌ها یا شباهت‌هایشان، در داخل طبقات دسته‌بندی می‌شوند و در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن نقل قول می‌گردد (مومنی راد و همکاران، ۱۳۹۲). برای دستیابی به پایایی در یافته‌های این تحقیق، از چند تکنیک استفاده شده است؛ (۱) تحلیل و بازیابی توسط همکاران پژوهش: بدین صورت که بعد از تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها، پژوهشگر، نتایج آن‌ها در اختیار پژوهشگر همکار قرار داد تا نظر تخصصی و کارشناسی خود را در زمینه نحوه تحلیل داده‌ها بیان کنند و با بررسی‌های مکرر، ارائه یافته‌ها انجام شد (۲) استفاده از تکنیک کنترل‌های اعضا: نتایج تحلیل برای برخی از پاسخگویان ارسال شد

¹ Denzin & Lincoln

تا از واکنش آن‌ها در مرحله گزارش آگاهی حاصل شود؛ ۳) خودبازبینی محقق^۱ در طی فرایند گردآوری داده‌ها و تحلیل نیز برای افزایش قابلیت اعتبار صورت گرفته است.

یافته‌ها

در مرحله نخست، کدگذاری باز انجام شد. متن تمام مصاحبه پس از پیاده‌سازی چندین بار مطالعه شد و پس از تکه تکه شدن متن برای احصاء، مفاهیم کلیدی به تفکیک هر مصاحبه، استخراج شدند که جهت رعایت ایجاز و اختصار نویسی از آوردن مفاهیم به تفکیک تمامی مصاحبه‌های خودداری شد. در مرحله دوم، تحلیل مفاهیم به تفکیک هر مؤلفه، پس از استخراج مفاهیم به دلیل وجود نظرات متفاوت در رابطه با این مؤلفه‌ها در گروه آموزشی در پیاده‌سازی و طراحی جداول، هم گزاره‌های همسو و هم گزاره‌های ناهمسو به همراه کد آن‌ها آورده شد و در مرحله بعد با وزن‌دهی به کد مصاحبه شونده‌گان، وضعیت گروه آموزشی در این مؤلفه‌ها در قالب نمودار درصدی ترسیم شد و پس از آن برای هر یک از گزاره‌ها نمونه نقل قول‌های از مصاحبه شونده‌گان بیان شد.

پاسخ به سوال نخست پژوهش، وضعیت مؤلفه اخلاقی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟ طبق فرایند شرح شده در بالا پس از پیاده‌سازی و خوانش مصاحبه‌ها مفاهیم کلیدی و گزاره‌های همسو و ناهمسو تحلیل و دسته‌بندی شدند.

جدول (۵) وضعیت مؤلفه اخلاق در گروه آموزشی مورد مطالعه

کدها	گزاره‌های مثبت	گزاره‌های منفی	کدها
کد ۲ / کد ۳ / کد ۴	تواضع علمی اعضای هیئت علمی گروه / دانش تخصصی بالای اساتید / فراهم کردن زمینه های برای رشد دانشجویان مستعد / توجه به تفکر انتقادی در آموزش / رعایت استانداردهای آموزشی / به روز بودن	عدم رعایت عدالت بین دانشجویان مختلف / کم توجهی به شایستگی های دانشجویان در ارزیابی ها / عدم پاسخگویی و دسترسی اعضای هیئت علمی / عدم توجه به نظر دانشجویان در انتخاب محتوا درسی و روش تدریس / وقت شناس نبودن اعضای هیئت علمی در تشکیل کلاس ها / به روز نبودن دانش اساتید در فرایند یاددهی و	کد ۱۰ / کد ۱۱ / کد ۱۲ / کد ۱۴ / کد ۱۵ / کد ۱۷ / کد ۱۸ / کد ۱۹ / کد ۲۱
کد ۵ / کد ۶ / کد ۷ / کد ۹ / کد ۱۱ / کد ۱۳ / کد ۱۶ / کد ۱۹ / کد ۲۰ / کد ۲۲			

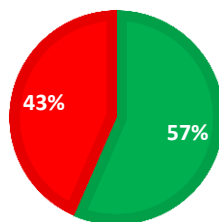
¹ self-monitoring

	<p>برابر و دوری از تبعیض در برخورد با دانشجویان/ رعایت استانداردهای اخلاقی در آموزش/ ارائه تکالیف مناسب و متناسب با اهداف درس/ آمادگی اساتید پیش از ورود به کلاس/ در نظر گرفتن نیاز دانشجویان در تدریس/ نبود نگاه جنسیتی در نمره دادن/ ارزیابی و نمره دهی عادلانه/ برگذاری حد نصاب کلاس ها در ترم/ رعایت حد نصاب زمان کلاس/ پاسخگویی مناسب</p>	<p>یادگیری/ رعایت نکردن عدالت در فرصت دادن به دانشجویان/ وجود بی اخلاقی و بی عدالتی در ارزیابی دانشجویان/ تکبر علمی اساتید/ زمان کم اختصاص دادن به دانشجویان رفتارهای نامناسب اساتید در درس و عدم برانگیختن علاقمندی به درس در دانشجویان/ سهل گیری فرایند آموزش/ ناتوانی در انتقال و تفهیم مطالب/ مناسب نبودن تدریس تیمی در بین اعضا گروه/ خساست در طرح مباحث علمی و انتقال آن به دانشجویان/ عدم توجه به توانایی های فردی در تدریس/ توجه به منافع فردی به جای منافع جمعی/ وجود سوگیری ذهنی در نمره دادن/ انفعال و رویکرد منفعت طلبانه در تدریس/ اجبار دانشجویان به استفاده از منابع استاد/ پایبند نبودن به قول و قرار/ عدم پاسخگویی به دانشجویان/ وجود نگاه جنسیتی در نمره دادن</p>	
<p>کدها</p>	<p>اخلاق پژوهشی</p>		<p>کدها</p>
<p>کد ۱/ کد ۲/ کد ۴/ کد ۷/ کد ۹/ کد ۱۰/ کد ۱۱/ کد ۱۵/ کد ۱۶/ کد ۲۰/ کد ۲۲</p>	<p>توجه به مسائل اخلاقی در پژوهش در بین اعضای هیئت علمی / عدم اجبار دانشجویان به نوشتن مقاله/ رعایت مالکیت معنوی در پژوهش ها/ تعهد اخلاقی اساتید و دانشجویان در انجام پژوهش ها/ عدم سوء استفاده از دانشجویان در پژوهش/ آزادی عمل دانشجو در انتخاب موضوع پایان نامه و استاد راهنما</p>	<p>وادر کردن دانشجویان به نوشتن مقاله/ نبود مشارکت و تعامل گروهی در انجام پروژه ها/ بازبینی نکردن کارهای پژوهشی دانشجویان/ وجود فشارهای بر دانشجویان در انتخاب استاد راهنما/ بی عدالتی و مشخص نبودن سهم واقعی افراد در انجام پژوهش/ مشارکت نداشتن در فرایند انجام پژوهش</p>	<p>کد ۷/ کد ۸/ کد ۱۲/ کد ۱۶/ کد ۱۹/ کد ۲۱/ کد ۲۲</p>
<p>کدها</p>	<p>اخلاق ارتباطی</p>		<p>کدها</p>
<p>کد ۱/ کد ۲/ کد ۴/ کد ۵/ کد ۷/ کد ۱۱/ کد ۱۹/ کد ۲۲</p>	<p>تعاملات مناسب استاد با دانشجو/ رعایت جنبه های اخلاقی و ارتباطی بین اعضای هیئت عملی گروه/ رعایت احترام اساتید بازنشسته/ رعایت احترام و تکریم دانشجویان</p>	<p>نامناسب بودن وضعیت ارتباطی بین اساتید/ تعامل نامناسب با دانشجو/ نبود تعامل علمی و صمیمانه بین دانشجویان/ نگاه بالا به پایین در تعامل با دانشجویان/ برخورد نامناسب کارشناس گروه با دانشجویان/ روحیه غیر منعطف اعضای گروه/ جو نامناسب بین دانشجویان و اساتید در گروه/ نبود کارگروهی در بین اعضای گروه/ عدم تمایل استاد به برقراری روابط صمیمانه با</p>	<p>کد ۷/ کد ۸/ کد ۱۰/ کد ۱۱/ کد ۱۲/ کد ۱۴/ کد ۱۵/ کد ۱۶/ کد ۱۷/ کد ۱۸/ کد ۱۹/ کد ۲۱</p>

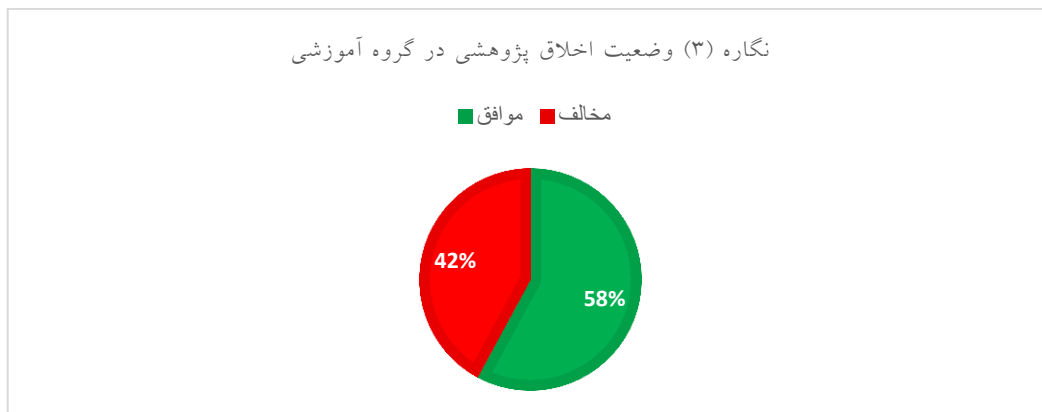
		<p>دانشجو/ منیت و غرور علمی اعضای گروه/ شخصیت برخی از اعضای گروه در نبود روابط صمیمانه در کلاس های درس/ ارزش قائل نبودن برای وقت دانشجویان/ جو نامناسب ارتباطی و مبتنی بر حسادت در بین دانشجویان/ در نظر نگرفتن شخصیت دانشجویان در تعاملات</p>	
--	--	--	--

نگاره (۲) وضعیت مولفه اخلاق آموزشی در گروه آموزشی

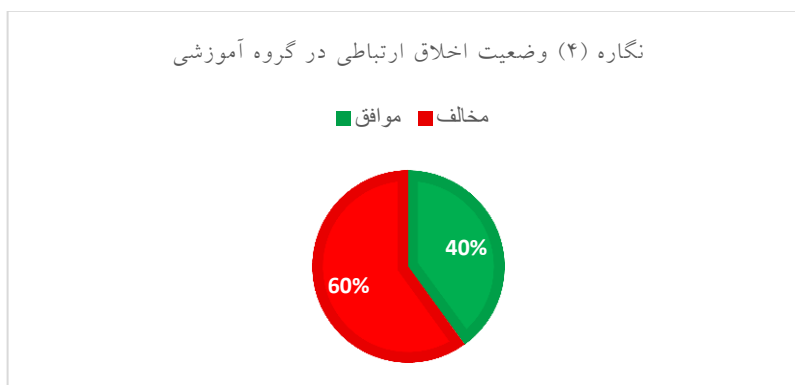
■ مخالف ■ موافق



نمونه نقل قول (۱۸) «اساتید اصلاً برای وقت دانشجویها ارزش قائل نیستند، خیلی وقت ها شده بعضی از اساتید اصلاً به موقع سرکلاس حاضر نشدن و در خیلی از موارد شده خارج از کلاس درس وقتی دانشجویی با یک استاد قرار ملاقات داره خیلی معطل می شود حالا امکان دارد کار اون دانشجو با استاد همش برای یک دقیقه باشد اما امکان دارد برای همین یک دقیقه دانشجو ساعت ها منتظر باشد»



نمونه نقل قول (۱۲) «از نظر پژوهشی هم مثلاً همه جا توی این جا هم بی اخلاقی هایی هست. از نظر پژوهش، بی اخلاقی توی استخراج مقالات و اصرار برای بودن اسمشون توی کارهای که انجام دادن، بازیبنی نکردن کارهای پژوهشی دانشجویان، اصرار به غنی کردن رزومه شون...» **نمونه نقل قول (۲۱)** «توی خود پژوهش در نظر گرفتن سهم افراد. چون بعضی وقتا روی پژوهش اصلاً کار نکردم اسمم میاد یا کار کردم اسمم میاد ولی تاثیر سهمم خیلی وقت تحت تاثیر هژمونی هست معمولاً افراد توی سیستم هژمونی، تابع میشن که فلانی این مرتبه اش فلانی میتونه این کار رو با ما بکنه و... اینقد این چیزا زیاد شده که دانشجویها توی کارپژوهشی، سلطه پذیر شدن»

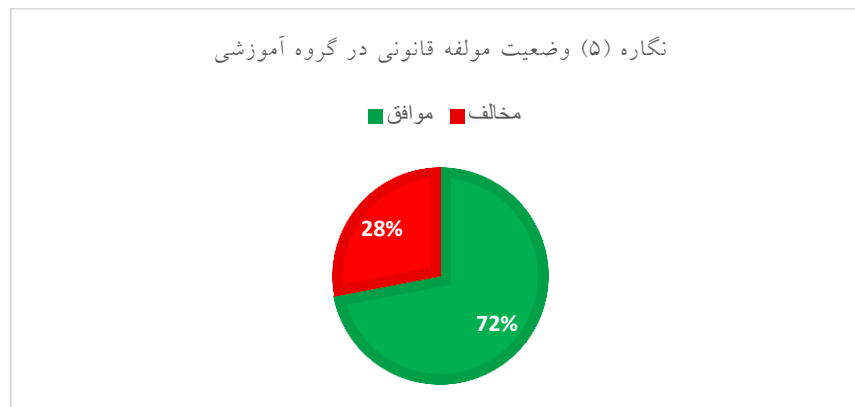


نمونه نقل قول (۲) «روابط اساتید باهم خوب نیست احساس می‌کنم یه اصطکاک منافی دارن که باعث میشه توی تصمیم گیری هاشون مؤثر واقع بشه دخیل میکنن توی تصمیم هاشون که دانشجوی این وسط قربانی میشه بعضاً با توجه به گرایش و رشته شون مشکل پیش میاد»

پاسخ به سوال دوم پژوهش، وضعیت مؤلفه قانونی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟

جدول (۶) تحلیل وضعیت مؤلفه قانونی در گروه آموزشی

کدها	گزاره های مثبت	گزاره های منفی	کدها
کد ۱ / کد ۲ / کد ۳ / کد ۴ / کد ۵ / کد ۶ / کد ۷ / کد ۹	توجه و پایبندی به قوانین / پاسخگویی گروه به قوانین دانشکده و دانشگاه / رعایت حقوق دانشجویان در گروه / ارائه اطلاعات به موقع درباره آئین نامه ها به دانشجویان / احترام به تعهدات قراردادی قانونی فی مابین / انعطاف پذیری قانونی اعضای گروه	عدم پایبندی به قوانین و مقررات در گروه / عدم انعطاف پذیری قانونی در برابر دانشجویان / اعمال سلیقه ای قانون / برخورد تبعیض آمیز قانونی با دانشجویان / اطلاع رسانی نامناسب درباره آئین نامه ها به دانشجویان	کد ۸ / کد ۱۰ / کد ۱۱ / کد ۱۲ / کد ۱۴ / کد ۱۷ / کد ۲۲

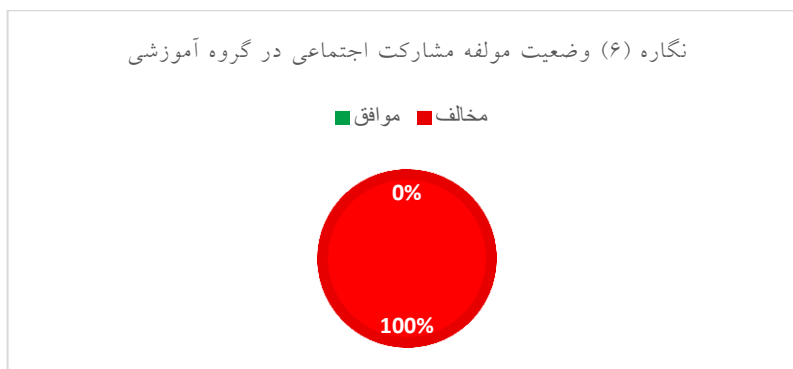


نمونه نقل قول (۲) «در بعد قانونی، به نظر میاد گروه ما به شدت به قوانین دانشکده و دانشگاه پایبند مثلا در همین مقطع تحصیلی دکتری به شدت نسبت به رعایت زمانبندیها سخت گیری میکنند تا در قبال دانشگاه بتون پاسخگو باشند»

پاسخ به سوال سوم پژوهش، وضعیت مؤلفه مشارکت اجتماعی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟

جدول (۷) تحلیل وضعیت مؤلفه مشارکت اجتماعی در گروه آموزشی

کدها	گزاره های مثبت	گزاره های منفی	کدها
		عدم ارتباط دو جانبه گروه با جامعه بیرونی/ نبود ارتباط بین پژوهش ها و مسائل جامعه/ ضعف در مشارکت اجتماعی/ نبود ارتباط بین گروه و منطقه گیشا/ نامربوط بودن دروس و آموزش ها در زمینه مسئولیت اجتماعی/ نبود ارتباط ارگانیک بین گروه و آموزش و پرورش/ مشارکت نکردن در مسائل اجتماعی/ عدم حمایت از اقدامات داوطلبانه دانشجویان برای اجتماع/ عدم تمایل و انگیزه اعضای هیئت علمی برای مشارکت در نهادهای اجتماعی/ نبود برنامه ای در زمینه مشارکت اجتماعی در گروه/ ضعف ارتباطی اعضای گروه با همتایان در گروه ها و دانشکده های دیگر/ نبود دغدغه اجتماعی در بین اساتید/ نامناسب بودن سمینارهای برگزار شده توسط گروه/ انزوای علمی اعضای هیئت علمی گروه/ نبود احساس نیاز در تعامل با جامعه در بین اعضای هیئت علمی/ وجود حداقل ارتباط علمی با گروه ها و دانشکده های دیگر/ بی اطلاعی از مقوله مشارکت اجتماعی و مؤلفه های تشکیل دهنده آن/ نگرش منفعت طلبانه در مشارکت اجتماعی	کد ۱/ کد ۲/ کد ۴/ کد ۵/ کد ۶/ کد ۷/ کد ۸/ کد ۹/ کد ۱۰/ کد ۱۱/ کد ۱۲/ کد ۱۳/ کد ۱۴/ کد ۱۵/ کد ۱۶/ کد ۱۷/ کد ۱۸/ کد ۱۹/ کد ۲۰/ کد ۲۱/ کد ۲۲

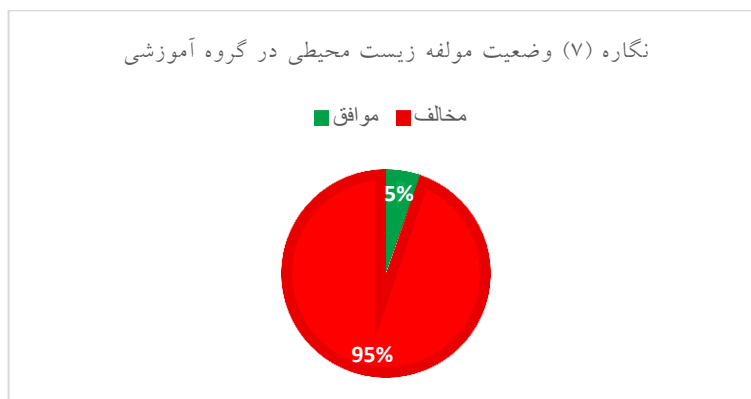


نمونه نقل قول (۸) «مردم محله گیشا و پل نصر خدمات این دانشکده را نمی‌شناسند، مشکلات مردم محله گیشا در برنامه آموزشی اساتید غایب است. برای مثال نانوائی و بانک کشاورزی که در نزدیکی این دانشکده است تعطیل شود کاملاً محسوس است، اما اگر دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران یک روز، یک ماه و یا حتی یک سال تعطیل شود در وضعیت زندگی و مشکلات مردم این محله فرقی می‌کند؟!»

پاسخ به سؤال چهارم پژوهش، وضعیت مؤلفه زیست‌محیطی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟

جدول (۸) تحلیل وضعیت مؤلفه زیست‌محیطی در گروه آموزشی

کدها	گزاره‌های مثبت	گزاره‌های منفی	کدها
کد ۱	مصرف بهینه منابع طبیعی و توجه به مسائل زیست‌محیطی /	عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی / نبود ارتباط بین فعالیت‌های گروه با مسائل محیط زیستی / عدم توجه به مسائل محیط زیستی در آموزش‌ها / بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی در پژوهش‌ها / نبود برنامه منسجم درباره مسائل زیست‌محیطی / نبود برنامه‌های آگاهی‌بخش در زمینه محیط‌زیست / نبود قانونی در زمینه حمایت از مسائل محیط زیستی / در اولویت نبودن برنامه‌های زیست‌محیطی در گروه / غفلت از مسائل زیست‌محیطی / متعهد نبودن افراد در قبال محیط‌زیست	کد ۲ / کد ۴ / کد ۵ / کد ۸ / کد ۹ / کد ۱۰ / کد ۱۱ / کد ۱۲ / کد ۱۳ / کد ۱۴ / کد ۱۵ / کد ۱۶ / کد ۱۷ / کد ۱۸ / کد ۱۹ / کد ۲۰ / کد ۲۱ / کد ۲۲

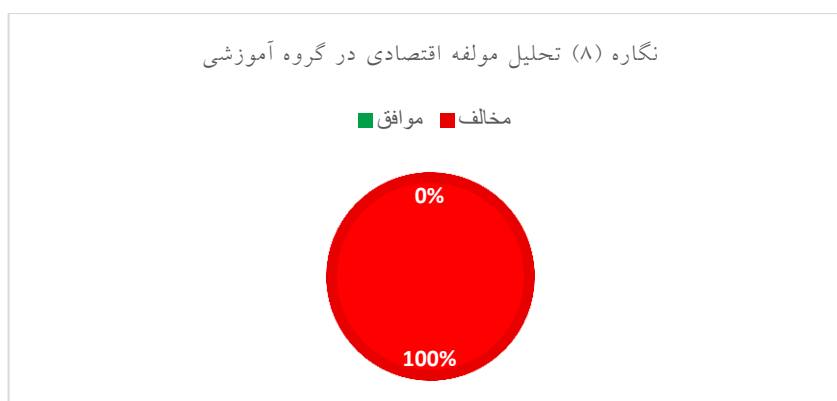


نمونه نقل‌قول (۱۴) «اصلاً به مسائل زیست‌محیطی اهمیت نمیدن اگر چنین چیزهای باشه مطمئن ما هم در جریان باشیم یا به صورت الکترونیکی یا به صورت پویش‌های یا بروشوری یا سخنرانی بذارن برای ورودی‌های جدید بگن گروه این فعالیت‌ها رو داره و شما هم میتونید مشارکت کنید یا نتایج اون مشارکت رو بگه...» پاسخ به سوال پنجم پژوهش، وضعیت مؤلفه اقتصادی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران در قبال دانشکده، دانشگاه و جامعه چگونه است؟

جدول (۹) تحلیل وضعیت مؤلفه اقتصادی در گروه آموزشی

کدها	گزاره های مثبت	گزاره های منفی	کدها
		نبود ارتباط اقتصادی بین گروه و جامعه بیرونی/ نبود ارتباط منسجم بین اعضای گروه با صنعت/ کاربردی نبودن پایان نامه ها و مقالات در رابطه با صنعت/ ناتوانی در راه اندازی کسب و کار کارآفرینانه بعد از فارغ التحصیلی/ بی توجهی به فرصت های شغلی و بهبود وضعیت اشتغال دانشجویان/ قطع ارتباط با فارغ التحصیلان پس از پایان دوره تحصیلی/ نبود دوره های کارورزی برای دانشجویان در صنعت/ نبود ارتباط هدفمند بین گروه و سازمان های صنعتی/ بدبینی برخی از اعضای گروه به صنعت/ پایین بودن روحیه اشتغال آفرینی اعضای گروه/ نبود مشوق های برای ارتباط دانشجو با صنعت/ نداشتن دغدغه اقتصادی در بین اعضای هیئت علمی/ برخورد ناعادلانه و تبعیض آمیز در ارتباط دهی دانشجویان در صنعت	کد ۲/ ۵ کد / کد ۶/ ۷ کد / ۹ کد / کد ۱۰/ ۱۱ / کد ۱۲/ ۱۳ / کد ۱۵/ ۱۶ / کد ۱۷/ ۱۸ / کد ۱۹/ ۲۰ / کد ۲۱/ ۲۲

نگاره (۸) تحلیل مؤلفه اقتصادی در گروه آموزشی



نمونه نقل قول (۱۸) «گروه ما شده فقط تدریس تئوری بدون اینکه ما در عمل واقعاً یاد بگیریم این تئوری‌ها رو پیاده کنیم و عملاً آموزش و یادگیری نصفه می‌مونه، خیلی بد که گروه ما اصلاً ارتباطی با صنعت نداره و برای دانشجویان فرصتی رو برای کسب تجربه در محیط خارج از دانشگاه و بیرون به وجود نیاره و همه چیز آموزش و یادگیری رو صرفاً ارائه یک‌مشت تئوری و نظریه می‌دونن»

بحث و نتیجه‌گیری

از منظر موضوعی و پرداختن به مسئله مسئولیت اجتماعی از لنز خردتر و در سطح گروه آموزشی، تاکنون پژوهشی در سطح گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های کشور انجام نشده است بنابراین می‌توان از این حیث

رویکرد مسئله‌ای این جستار را نوآوری در این زمینه انگاشت. برآیند یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد وضعیت اخلاق در گروه آموزشی موردبررسی در سه بعد متفاوت فرازوفرودهایی دارد. در بعد آموزشی با ۵۷ رضایت در نقطه مرزی اخلاق و بی‌اخلاقی قرار دارد که نیازمند توجه جدی ذی‌نفعان گروه [اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان] می‌باشد. در پژوهش همراهی و همکاران (۱۳۹۳) به تحلیل وضعیت اخلاق آموزشی اعضای هیئت‌علمی از دیدگاه دانشجویان پرستاری پرداختند به این نتیجه رسیدند که اخلاق آموزشی اعضای هیئت‌علمی در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد از این‌رو، می‌توان گفت با یافته‌های این بخش همپوشانی دارد. از آنجایی‌که آموزش عالی نظامی حرفه‌ای است و مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی عاملانی را پوشش می‌دهد. افعال این عاملان نیز در منافع یا مضار دیگران و همچنین در رشد یا زوال شخصیت خود آنان تأثیر می‌گذارد بنابراین نظام آموزش عالی می‌تواند به لحاظ اخلاقی موردبحث قرار بگیرد. برای مثال، یک نوع تدریس می‌تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان متناسب با تحولات علمی و تقاضاهای جامعه، فراهم بیاورد یا نیاورد (فراستخواه، ۱۳۸۵). با بخش‌بندی کارکردهای اعضای هیئت‌علمی در سه بخش؛ آموزش، پژوهش و ارائه خدمات اجتماعی، اخلاق در آموزش یکی از بن‌مایه‌های اصلی در این کارکردهاست. چراکه از طریق فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت‌علمی با گروه‌های دانشجویی متکثری در سطوح تحصیلی متفاوت در سال‌های گوناگون مواجه هستند. در واقع اخلاق آموزش در دانشگاه حافظ سعادت و رفاه فردی و گروهی دانشجویان است. مجموعه عام و مشترکی از اصول اخلاقی ریشه‌دار در ضوابط آموزشی که موردحمایت اعضای هیئت‌علمی است در ۱۹۹۹ میلادی توسط محققان در دانشگاه جان هاپکینز ارائه شده است که عبارت‌اند از: (۱) احترام به دانشجویان در مقام انسانی؛ (۲) برابر دانستن دانشجویان در مشاوره آموزش و نمره دادن؛ (۳) تبعیت اعضای هیئت‌علمی از مسئولیت حرفه‌ای در برنامه‌ریزی دروس؛ آزاداندیشی نسبت نگرش‌های مختلف در انتخاب موضوعات درس؛ (۴) بی‌غرضی و بی‌طرفی در آموزش در برابر تلقین محتوای دروس و (۵) محرمانه نگه‌داشتن نمره دانشجویان می‌باشد (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹ به نقل از آرین پور و محرابی، ۱۳۹۵).

در بخش اخلاق پژوهشی نیز وضعیت گروه آموزشی مذکور با درصد ۵۸ در نقطه مرزی جای دارد. اخلاق در پژوهش شامل اصولی است که راهنمای پژوهش در مراحل اصلی آن و در فرایندهای انتخاب مسئله، طراحی و تشریح روش تحقیق، گردآوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر اطلاعات و تدوین و انتشار نتایج پژوهش قرار می‌گیرد. در هر یک از این مراحل، پژوهش ممکن است در معرض تنگناهای اخلاقی مختلفی قرار بگیرد و نوع برخورد ما در ارتباط با این مسائل می‌تواند بسیار متفاوت باشد؛ بنابراین بایستی برای برخورد مناسب با این شرایط چارچوب مشخص و معینی وجود داشته باشد که بتواند جلوی این انحراف را بگیرد (پیرعلائی و شیخعلی زاده، ۱۳۹۶). در مطالعه پیرعلائی و شیخعلی زاده (۱۳۹۶) که به بررسی وضعیت رعایت اخلاق

پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها دولتی شمال غرب کشور پرداختند به این نتیجه رسیدند که رعایت اخلاق پژوهشی اساتید در حد متوسط رعایت می‌شود که می‌توان این‌گونه استدلال کرد که با یافته‌های این بخش پژوهش نیز همسویی دارد. به‌طورکلی، اخلاق پژوهشی شامل دو حالت کلی است؛ یکی اصول اخلاقی مربوط به عناوین و یافته‌ها که آن را در عبارت وجدانیات می‌توان جستجو کرد و دیگری، اصول اخلاقی مربوط به روش‌ها و فرایندهای علمی است که عنوان مربوط به آن در عبارت های امانت داری به ظهور می‌رسد و نتایج آن در عباراتی مانند؛ صداقت، بی‌طرفی، شاکاکیت موضوع، همکاری با گروه‌های پژوهشی خلاصه می‌شود و بیانگر این است که خالق اثر تا چه حد نسبت به آنچه خلق کرده و منابع منسوب به آن، امانت دار بوده و حق مولف را به درسی ادا کرده است (خالقی، ۱۳۸۷). یکی از مسئله‌های امروز آموزش عالی ایران، کم‌توجهی به اخلاق پژوهش و افزایش سرقت‌های علمی است. سقوط اخلاق در پژوهش به ویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال‌های اخیر که روند صعودی به خود گرفته است، می‌تواند ناشی از عوامل گوناگون از سطح فرد (سرقت عمدی، عدم آگاهی و...)، سطح دانشگاه (آئین نامه‌های سنوات تحصیلی و محدودیت‌های زمانی به دانشجویان و غیره) تا فرهنگ جامعه و شرایط محیطی را فرا گیرد. این عوامل به شکل زنجیروار در پدید آمدن وضعیت فعلی در پژوهش، دخیل هستند. بر این اساس، رعایت هنجارهای اخلاقی توسط اعضای هیئت علمی و نظارت آن‌ها بر عملکرد پژوهشی دانشجویان عامل مهمی در پرورش روحیه اخلاق‌مداری در نظام‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد اعضای هیئت علمی در گروه آموزشی مذکور، از منظر رعایت اخلاق پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارند؛ اما از حیث اخلاق ارتباطی جو نامناسب بر گروه آموزشی با ۶۰ درصد نارضایتی حاکم است که چنین جو را می‌توان در غالب گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های ایران یافت و ریشه را باید در فرهنگ دانشگاه‌های ایرانی و یا فرهنگی زیستی جامعه ایرانی و نگرش‌ها کندوکاو کرد. چراکه یکی از مشکلات عمیق و اصلی جامعه روحیه فردگرایانه یا فردی محوری غالب افراد است نتایج تحقیقات محققان نشان داده است که ایرانیان افراد خودمحور، تک‌رو، دنبال منافع شخصی، فاقد روحیه جمع‌گرایی و همکاری هستند (اکملی، ۱۳۸۷) به همین دلیل امروزه یکی از مسائلی که پیوسته نظام آموزش عالی با آن مواجه بوده است، ضعف تعاملات و همکنشی‌های اعضای هیئت علمی [همچنین تعاملات اعضای هیئت علمی با دانشجویان] در دانشگاه‌هاست. به گونه‌ای که این ضعف، ریشه در عقبه‌های اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران دارد. افزون بر این باورها، سنت‌ها و گفتمان حاکم بر فضای گروه‌های آموزشی نیز، به گونه‌ای شکل گرفته است که بر گسست بیشتر تعاملات، دامن می‌زند. دلایل گوناگونی می‌توان بر این امر برشمرد از جمله؛ عدم روحیه تعاون و همکاری که برآمده از فرهنگ گروه‌ها، دانشگاه‌ها و جامعه است، برخورداری از منیت و غرور اعضای هیئت علمی به ویژه در مراتب بالاتر علمی است. این در حالی است که در کشورهای دیگر، از

تجارب اعضای هیئت علمی با رتبه علمی بالا به عنوان منشور اعضای هیئت علمی استفاده می کنند و اعضای هیئت علمی جوان، در کنار این اساتید می آموزند و سرمایه دانشی خود را ارتقاء می دهند. نبود روحیه نقد و دگر پذیری و عوامل بیشمار دیگری در سه کارویژه تخصصی اعضای هیئت علمی، یعنی همکاری در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی از حیث تعاملاتی، می توان بر شمرد. چنین فضای پرتنش بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان در رضایت شغلی و تحصیلی و کیفیت زندگی علمی آن ها، اثر منفی دارد و در بلند مدت به فرسودگی شغلی برای اعضای هیئت علمی و بی انگیزگی دانشجویان منجر می شود. در مطالعه نورشاهی و سمیعی (۱۳۹۰) که به بررسی کیفیت زندگی اعضای هیئت علمی پرداخته بودند، نیز میزان تعاملات، ارتباطات و فعالیت های مشارکتی بین اعضای هیئت علمی توسط بیشتر پاسخگویان در حد متوسط ارزیابی شده بود. چوب دستی و اکملی (۱۳۸۷) نیز به بررسی عوامل مؤثر بر میزان همکاری اعضای هیئت علمی پرداختند. یافته های این پژوهش، نشان می دهد که اساتید دارای سرمایه فرهنگی و انرژی عاطفی بیشتر، از میزان همکاری علمی بیشتری برخوردارند. بین سابقه کاری اعضای هیئت علمی و همکاری علمی آنها رابطه معکوسی وجود دارد. متغیر ارتباطات و تعاملات، همبستگی ضعیفی با همکاری علمی دارد. از سایر دستاوردهای اصلی این پژوهش، فراهم ساختن زمینه های تجربی برای جلب توجه سیاست گذاران به اهمیت فضای هنجاری مناسب، برای شکل گیری انرژی عاطفی و سرمایه فرهنگی بالا در بین اساتید و برنامه ریزی برای جامعه پذیری علمی است.

در مؤلفه قانونی با ۷۲ درصد رضایت، نشان از رعایت و پایبندی اعضا گروه دارد. در این مؤلفه، از حیث مسئولیت اجتماعی گروه در وضعیت مطلوبی قرار دارد. قانونمداری و اجرای قوانین یکی از مؤلفه های پنجگانه مسئولیت اجتماعی در گروه های آموزشی می باشد. این مؤلفه هم از منظر اخلاقی و هم از منظر دینی^۱ جایگاه والایی دارد؛ بنابراین نهادینه سازی گفتمان قانون مداری در گروه های آموزشی هم از منظر اعضای هیئت علمی و هم از منظر دانشجویان امر بسیاری مهمی برای پرورش نسل های بعدی از حیث قانونمداری در جامعه می باشد که باید مورد توجه هم تصمیم سازان و تصمیم گیران و هم کنشگران اصلی گروه های آموزشی (اعضای هیئت علمی و دانشجویان) قرار گیرد. در مؤلفه مشارکت اجتماعی و مؤلفه اقتصادی، با ۱۰۰ درصد نارضایتی گویای کژکارکردی این گروه در این مؤلفه هاست که نیازمند بازنگری و بازساماندهی جدی در اهداف، کارویژه ها و نگرش های تک تک اعضای هیئت علمی و دانشجویان این گروه دارد. جدا افتادگی جامعه از آموزش عالی در ایران، پدیده نویی به شمار نمی رود و از این حیث قاطبه گروه های آموزشی به

^۱ برای نمونه رجوع شود به؛ نور: ۴۶، نور: ۴۷، نور: ۴۸، نور: ۴۹، نور: ۵۱، نور: ۵۲ و دیگر آیات قران

وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی خود پشت کرده‌اند و در انزوای علمی و آکادمیک در اتاق‌های دانشکده و با پژوهش‌های ناهمخوان با جامعه و صنعت و نیاز کشور به سر می‌برند علیرغم حرکت‌های که از سوی دانشگاه‌ها به سمت جامعه و صنعت در دهه‌های اخیر شاهد آن بودیم اما کماکان، دانشگاه، برج عاجی است که خود را بی‌نیاز از جامعه و صنعت می‌داند و از رهگذر دولت تأمین مالی می‌شود. بخش جامعه و صنعت نیز با کم‌رنگ شدن اعتمادشان به دانشگاه‌ها، در سمت دگر قضیه به صورت تافته جدا بافته به مسائل و مصائب خود دچار اند و یک گسست عمیقی بین دانشگاه، صنعت و نیازهای جامعه وجود دارد که سبب هدر رفت منابع مالی، هزینه فرصت دانشگاهیان و پس افتادگی کشور از حیث رشد علمی شده‌است چنانکه هم‌اکنون آموزش عالی ایران از حیث تولیدات علمی رتبه نخست خاورمیانه را به خود اختصاص داده‌است؛ اما چقدر این پژوهش‌ها در بخش‌های مختلف جامعه و صنعت گره‌گشا بودند؟! غالب این پژوهش‌ها دور ریختنی و بدون استفاده هستند. با انجام مسئله‌یابی، ریشه‌یابی بحران را باید در سیاستگذاری‌ها و دخالت‌های فراوزارتخانه‌ای جستجو کرد. تمناى تعامل با صنعت نیز پدیده‌ای است که دهه‌های اخیر همچون تپی فراگیر نظام دانشگاهی را در برگرفته‌است ولی همچنان در حد مرثیه باقی مانده‌است و در تمام پژوهش‌ها در بخش پیشنهادات و نشست‌ها و همایش‌ها سخن ارتباط دانشگاه با صنعت تکرار می‌شود در حالی که ارتباط دانشگاه با صنعت در قالب یک اکوسیستم تعریف و جایابی می‌شود و بیش از هرچیز از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد و نیازمند به تغییرات تدریجی فرهنگی، بازنگری در قوانین بانکی، گمرکی، مالیاتی، واردات، صادرات و غیره است. برای نمونه در نظام بانکی ایران با سودهای کلان و رشد قارچ گونه بانک‌ها و مؤسسات مالی، چگونه می‌توان انتظار کارآفرینی از دانشگاه و جامعه داشت؟! عدم شفافیت در ابعاد مختلف در قوانین صادرات و واردات و سیطره رانت و سیاست زدگی بر نظام اداری کشور چگونه می‌توان انتظار کارآفرینی و تولید ملی داشت؟! اقتصاد نفتی و وابسته به دولت، توأم با دخالت‌های فراوزارت‌خانه‌ای در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در آموزش عالی، چگونه می‌توان انتظار کارآفرینی و کنشگری اجتماعی از دانشگاه داشت؟! از دانشگاهیانی که در اداره امور خود مستقل نیستند و در قالب ساختار پادگانی و سلسله‌مراتبی قرار گرفته‌اند، چگونه می‌توان انتظار نقش‌آفرینی داشت؟! طبیعی است، وقتی گروه‌های آموزشی به عنوان کوچکترین سطح از نظام دانشگاهی، نتوانند به وظایف خود به درستی عمل کنند در مجموع عملکرد گروه‌های آموزشی به نابسامانی آموزش عالی منجر می‌شود. در آخرین مؤلفه زیست محیطی نیز با ۹۵ درصد نارضایتی نشان از غفلت گروه‌های آموزشی و نظام دانشگاهی از پدیده محیط زیست است که امروزه به یک معضل جدی جهانی مبدل شده‌است. این در حالی است که ایران در رتبه دهم کشورهای دنیا در تخریب محیط زیست قرار

دارد^۱ اما میزان بودجه تخصیص یافته به محیط زیست کشور یک دهم درصد از بودجه کل است؟! با غفلت و بی توجهی دولت از پدیده محیط زیست و عواقب زیان بار آن اگر در آموزش ها و پژوهش ها و نظام های آموزشی نیز بدان پرداخته نشود در آینده نه چندان دور با بحران های زیستی محیطی شدیدی مواجه خواهیم شد که زندگی همه انسان ها را فرا می گیرد و تهدید می کند. در این اثنا علاوه بر آموزش و پرورش و نهاد خانواده، دانشگاه ها و در رأس آن گروه های آموزشی، نقش کلیدی برای دستیابی به این مهم دارند از طریق آموزش ها و پژوهش ها دارند. چراکه به زعم بسیاری از پژوهشگران نظام های آموزشی با پرسشگری و نقد وضعیت موجود می توانند به بهبود عدالت اجتماعی، پایداری محیط زیست کمک کنند و جهانی برابر را بسازند (کارتال^۲، ۲۰۰۷؛ کایک و اسکیزی^۳، ۲۰۱۸).

پیشنهادات پژوهشی

* توسعه مطالعات در زمینه بررسی وضعیت مسئولیت اجتماعی گروه های آموزشی در دانشکده ها و گروه های آموزشی دیگر؛

پیشنهادات سیاستی و کاربردی در ابعاد پنج گانه مسئولیت اجتماعی

- * توسعه تعاملات و بهبود روابط اعضای هیئت علمی در گروه های آموزشی توأم با تدوین منشور اخلاقی؛
- * تعریف اهداف و کارویژه های برای هر یک از ابعاد مسئولیت اجتماعی برای اعضای گروه ها و پایش مداوم وضعیت مسئولیت اجتماعی گروه های آموزشی (پایش درونی و بیرونی)؛
- * توسعه ارتباطات گروه های آموزشی با صنایع و سازمان ها در جهت اشتغال آفرینی برای دانشجویان از طریق دوره های کارآموزی و هدایت پژوهش ها به سمت نیازهای بیرونی؛
- * انجام اصلاحات ساختاری در آموزش عالی کشور؛ اصلاح آئین نامه ارتقاء اعضای هیئت علمی، اصلاح قوانین با تاکید بر استقلال گروه های آموزشی و اصلاح برنامه های آموزشی و درسی با رویکرد میان رشته ای؛

¹ : <http://www.Javann.ir/000RXq>

² Kartal

³ Çayak & Eskici

فهرست منابع

- آربین پور، مهلا؛ محرابی، ناهید (۱۳۹۵). الزامات و راهبردهای اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزش عالی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۱ (۴)
- اکملی، ماکوان (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان همکاری اعضای هیئت علمی: مطالعه موردی دانشگاه کردستان. پایان نامه کارشناسی ارشد
- امراهی، اکبر؛ سلطانزاده، وحید و حسینی، غلامرضا (۱۳۹۳). وضعیت اخلاق آموزشی اعضای هیات علمی از دیدگاه دانشجویان پرستاری. *فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۷ (۴)، ۲۳۵-۲۴۰
- بوک، درک کی و همکاران (۱۳۹۶). *مسئولیت اجتماعی دانشگاه: رسالت دانشگاه در جهان پیچیده امروز* (مترجمان: آرمین امیر، علی پاپلی یزدی و مریم عالم زاده). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- پیرعلائی، الهه؛ شیخعلی زاده، محبوب (۱۳۹۶). بررسی وضعیت رعایت اخلاق پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشکده های تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه های دولتی شمال غرب کشور. *مجله اخلاق زیستی*، ۷ (۲۴)، ۵۶-۶۷
- چوب بستی، حیدر؛ اکملی، ماکوان (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان همکاری اعضای هیئت علمی (مطالعه موردی دانشگاه کردستان). *راهبرد فرهنگ*، ۲
- حبیبی، نوید؛ وظیف دوست، حسین و جعفری، پریش (۱۳۹۵). مؤلفه های ارتقای مسئولیت پذیری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۲۲ (۲)، ۱۲۵-۱۴۵
- حسینی، محمد؛ قاسم زاده، ابوالفضل؛ سامری، مریم و جدی، ابراهیم (۱۳۹۳). تحلیل مدل معادلات ساختاری دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره مسئولیت اجتماعی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۶ (۲۰)، ۱۰۲-۱۱۹
- خالقی، نرگس (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. اخلاق در علوم و فناوری، ۳ (۱)
- رویایی، رمضان علی؛ مهردوست، حسین (۱۳۸۸). بررسی نقش مدیران فرهنگی در ارتقاء مسئولیت اجتماعی. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳ (۳)، ۴۳-۵۹
- شفائی یامچلو، طاهره؛ ایلی، خدایار و فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۶). مطالعه شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر الگوی والایس بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی. *مجله آموزش عالی*، ۸ (۴)، ۷۹-۱۰۲
- عزیز، نعمت الله (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی. *مجموعه مقالات دایره المعارف آموزش عالی*
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵). اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱
- محب زادگان، یوسف؛ پرداختچی، محمدحسن؛ قهرمانی، محمد و فراستخواه، محمد (۱۳۹۲). تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۹ (۴)، ۱-۲۵

- محمدلو، مسلم؛ اکبری، بنفشه و مهدویان پور، الهام (۱۳۹۳). شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها با استفاده از تکنیک دلفی فازی مطالعه موردی: دانشگاه شیراز. *مجله آموزش عالی*، ۶(۳)، ۱۶۲-۱۹۲
- مومنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فرددانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آئین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲
- نورشاهی، نسرين؛ سمیعی، حسین (۱۳۹۰). بررسی کیفیت زندگی کاری اعضای هیئت علمی دانشگاه های دولتی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۷(۱)، ۹۱-۱۱۴
- Adams, C. A. (2013). Sustainability reporting and performance management in universities: Challenges and benefits. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 4(3), 384-392.
- Ahmad, J. (2012). Can a university act as a corporate social responsibility (CSR) driver? *An analysis. Social Responsibility Journal*, 8(1), 77-86.
- An, Y. Qiao, X., Wang, J., & Zhai, S. Y. (2019). Do Hong Kong Public Universities Take Advantage of ICT for Social Responsibility Reporting?. *Procedia Computer Science*, 154, 764-769.
- Ayala-Rodríguez, N., Barreto, I., Rozas Ossandón, G., Castro, A., & Moreno, S. (2019). Social transcultural representations about the concept of university social responsibility. *Studies in Higher Education*, 44(2), 245-259.
- Bice, S., & Coates, H. (2016). University sustainability reporting: taking stock of transparency. *Tertiary Education and Management*, 22(1), 1-18.
- Çayak, S., & Eskici, M. (2018). Globalization: In Terms of Teachers' Opinion and Metaphorical Perceptions. *World Journal of Education*, 8(3), 44-55.
- Ceulemans, K., Lozano, R., & Alonso-Almeida, M. D. M. (2015). Sustainability reporting in higher education: Interconnecting the reporting process and organisational change management for sustainability. *Sustainability*, 7(7), 8881-8903.
- Chen, S. H., Nasongkhla, J., & Donaldson, J. A. (2015). University Social Responsibility (USR): Identifying an Ethical Foundation within Higher Education Institutions. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 14(4), 165-172.
- De la Cuesta, M., Porras, A., Saavedra, I. and Sanchez, D. (2010) El Compromiso Socialde la UNED. In M. De la Cuesta, C. De la Cruz and J. M. Rodriguez Fernandez (eds.), *Responsabilidad Social Universitaria*. La Coru~na: Netbiblo, pp. 232-272
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2011). The Sage handbook of qualitative research. *Sage*.
- Galvão, A., Mendes, L., Marques, C., & Mascarenhas, C. (2019). Factors influencing students' corporate social -responsibility orientation in higher education. *Journal of Cleaner Production*, 215, 290-304
- Galvão, A., Mendes, L., Marques, C., & Mascarenhas, C. (2019). Factors influencing students' corporate social responsibility orientation in higher education. *Journal of cleaner production*, 215, 290-304.

- Gamage, P., & Sciulli, N. (2017). Sustainability reporting by Australian universities. *Australian Journal of Public Administration*, 76(2), 187-203.
- Garde, R., Rodriguez, M. P. and Lopez, A. M. (2013) Online Disclosure of University Social Responsibility: a Comparative Study of Public and Private US Universities. *Environmental Education Research*, 19(6),709
- Giuffré, L., & Ratto, S. E. (2014). A new paradigm in higher education: university social responsibility (USR). *Journal of Education & Human Development*, 3(1), 231-238.
- Kartal, Z. (2007). The historical and conceptual dimensions of globalization. Eskişehir Osmangazi University, *Journal of Social Sciences*, 8(2), 261-262.
- Larrán Jorge, M., & Andrades Peña, F. J. (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, 71(4), 302-319.
- Lopatta, K., & Jaeschke, R. (2014). Sustainability reporting at German and Austrian universities. *International Journal of Education Economics and Development*, 5(1), 66-90.
- Lozano, R., Lukman, R., Lozano, F. J., Huisingh, D., & Lambrechts, W. (2013). Declarations for sustainability in higher education: becoming better leaders, through addressing the university system. *Journal of Cleaner Production*, 48, 10-19.
- Mok, K. H., & Yu, K. M. (2013). Internationalization of higher education in East Asia: Trends of student mobility and impact on education governance. Routledge.
- Nejadi, M., Shafaei, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M. (2011). Corporate social responsibility and universities: A study of top 10 world universities' websites. *African Journal of Business Management*, 5(2), 440
- Pachón, D. (2009). Responsabilidad social universitaria. *Humanismo y trabajo social*, 8, 37-67.
- Quezada, R. G. (2011). La responsabilidad social universitaria como desafío para la gestión estratégica de la Educación Superior: el caso de España The university social responsibility as a challenge to the strategic management of Higher Education: the case of Spain. *Revista de educación*, 355, 109-133.
- Ralph, M. and Stubbs, W. (2014) Integrating Environmental Sustainability into Universities. *Higher Education*, 67, pp. 71–90
- Reiser, J. (2007). Managing university social responsibility. *International Sustainable Campus Network: Best Practices - Future Challenges*. from <http://www.international-sustainable-campus-network.org/view-document/108-panel-b1-juan-reiser-pontificia-universidad-catolica-del-peru>
- Sánchez, R. G., Bolívar, M. P. R., & Hernández, A. M. L. (2015). Are Australian universities making good use of ICT for CSR reporting?. *Sustainability*, 7(11), 14895-14916.
- Santos, G., Marques, C. S., Justino, E., & Mendes, L. (2020). Understanding social responsibility's influence on service quality and student satisfaction in higher education. *Journal of Cleaner Production*, 256, 120597.

- Shin, J. C., Postiglione, G. A., & Huang, F. (2016). Mass higher education development in East Asia. Springer International Pu.
- Stephens, J. C., & Graham, A. C. (2010). Toward an empirical research agenda for sustainability in higher education: exploring the transition management framework. *Journal of Cleaner Production*, 18(7), 61618
- Symaco, L. P., & Tee, M. Y. (2019). Social responsibility and engagement in higher education: Case of the ASEAN. *International Journal of Educational Development*, 66, 184-192.
- Teixeira, A., Ferreira, M. R., Correia, A., & Lima, V. (2018). Students' perceptions of corporate social responsibility: evidences from a Portuguese higher education institution. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 15(2), 235-252.
- Teixeira, A., Ferreira, M. R., Correia, A., & Lima, V. (2018). Students' perceptions of corporate social responsibility: evidences from a Portuguese higher education institution. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 15(2), 235-252.
- Vallaey, F. (2008). Responsabilidad Social Universitaria: una nueva filosofía de gestión ética e inteligente para las universidades. *Educación superior y sociedad*, 13(2), 191-220.
- Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M. and Baicu, C. (2010) Developing University SocialResponsibility: a Model for the Challenges of the New Civil Society. *Procedia Socialand Behavioral Sciences*, 2(2), 4
- Wigmore-Álvarez, A., Ruiz-Lozano, M., & Fernández-Fernández, J. L. (2020). Management of University Social Responsibility in business schools. An exploratory study. *The International Journal of Management Education*, 18(2), 100382.